

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

The Christian Science Monitor

نویسنده: اناند گوپال
مترجم: همکار پورتال
۲۰۰۹/۷/۶

مرگبار ترین دشمن امریکا در افغانستان

شبکه حقانی که در جنگ ضد شوروی متولد شد و به وسیله سی آی ای پرورش یافت، در عقب حملات تماشائی در افغانستان است.

گردیز - سه متحد شورشی طالبان در يك فضای باز نشسته و بدقت به نقشه کابل، پایتخت افغانستان نظر اندازی میکنند. یکی اشاره کرده و میگوید که "اینجا ما خواهیم ماند."

در صحنه دیگر از این ویدیوی تبلیغاتی شورشی، يك جنگجو به جنگجوی دیگر ویدیوی يك اطاق خالی را با يك کلکین نشان داده و به دیگران توضیحات میدهد که "شما به کرزی ازین کلکین فیر خواهید کرد." "ما افرادی در داخل داریم که شما را کمک میکند."

سوءقصد به رئیس جمهور کرزی که در ۲۸ سال اپریل ۲۰۰۸ در جریان رسم و گذشت عسکری اتفاق افتاد، تقریباً کامیاب شده بود. رئیس جمهور جان به سلامت برد، اما سه تن از بین رفتند. جنگجویان درین ویدیو تفصیل استخباراتی در مورد آن ساحه داشتند. آنها میدانستند که چطور از مراکز نظارت پولیس طفره بروند و در داخل حکومت کسانی داشتند که دقیقاً به آنها بگویند که که آقای کرزی در رسم و گذشت در کجا استاده خواهد شد.

شورشیان افغان اکثراً عملیات شانرا از آغاز تا انجام فلم میگیرند، نتیجه را تنظیم میکنند و منحیث ویدیوی تبلیغاتی پخش می نمایند. این ویدیو در کوئته، پاکستان خریداری شد. مامورین استخباراتی افغان یکی از سه مرد گروه ترور را در ویدو شناسائی کرده اند. همه آنها اعضای گروه مرگ آور شبکه حقانی اند که اکثر ماموران آنرا بزرگترین تهدید به حضور امریکا در کشور میدانند.

بر حسب گفته متیو دوپی محقق در مرکز تحصیلی قوای بحری در مونتری کالیفرنیا، "شبکه حقانی ثابت ساخته اند که (از میان گروه شورشیان) مستعد ترین دسته بوده و قادرند که حملات تماشائی در داخل افغانستان براه اندازند."

این شبکه که مستقل اما متحد با طالبان است، شهادت خود را بتاريخ ۱۲ می ثابت ساخت، و قتیکه يك تعداد جنگجویان به تعمیرات دولتی در شهر جنوبی خوست در افغانستان یورش بردند. این یورش هم آهنگ، حملات چند جانبه خودکشانه را نمایان ساخت و یکی از بی باکترین حادثاتی بود که در طی سالیان متمادی درین شهر اتفاق افتاد.

شبکه حقانی پیچیده ترین گروه شورشی افغانستان تلقی میگردد. ادعا میشود که این گروه در عقب بسیار حملات برجسته بوده است که شامل يك حمله بر يك هتل لوکس در جنوری ۲۰۰۸ در کابل و حمله انفجاری ذریعه موتر بر سفارت هند در کابل در جولای ۲۰۰۸ بود که ۴۱ کشته از خود به جا گذاشت.

این گروه در ولایت جنوبی افغانستان - پکتیا، پکتیکا، خوست، لوگر و غزنی فعال است. در قسمت های پکتیکا، خوست و پکتیا حکومتات ممثل را تاسیس نموده اند و اطراف تعداد زیاد نواحی را اداره میکنند. حنیف شاه حسینی يك عضو ولسی جرگه از خوست گفت، "در خوست مامورین حکومت ضرورت به نامه های حقانی دارند که در سرک ها و نواحی گشت و گذار نمایند."

طبق منابع امریکائی و افغانی، رهبری در میرامشاه، شمال وزیرستان در مناطق قبایلی پاکستان قرار دارد. مقامات پاکستانی و چهره های برجسته حقانی اینرا انکار می کنند، اگر چه که جنگجویان سابق حقانی میگویند که واقعاً همینطور است. بر حسب ماموران استخباراتی امریکائی، شبکه حقانی نسبت به هر گروه شورشی افغان بیشتر به استخبارات پاکستان و دسته های جهادی عرب وصل است.

این ارتباطات به گذشته طولانی برمیگردد. درین کوه های خاکسار ولایت پکتیا نزدیک سرحد با پاکستان بود که رهبر معروف این گروه، جلال الدین حقانی، به شهرت رسید. حقانی در يك خانواده ذینفوذ قبیله خدران متولد شده و بخاطر شاهکارش در جنگ های ضد شوروی بيك قهرمان افسانوی جنگ مبدل شد. بسیاری در ولایات جنوب شرقی کشور با علاقمندی از وی نام میبردند، حتی کسانی که حالا در حکومت اند. حنیف شاه یکی از اعضای ولسی جرگه و دوست دوران جوانی حقانی میگوید که "او يك مرد نجیب و با تقوا است و اعتقاد راسخ به اسلام دارد." چارلی ولسن عضو کانگرس از تکساس که با شورشیان ضد شوروی کار میکرد (فلم چارلی ولسن در ۲۰۰۷ از آن الهام گرفت)، یکبار حقانی را "تجسم خدا" نامید.

در دهه ۱۹۸۰، حقانی خود را منحصیث یکی از قومندانان برجسته میدان جنگ به شهرت رسانید. يك مامور استخباراتی امریکا که حقانی را در آن وقت میشناخت، میگوید که "او توانست که روس ها را به نحوی بکشد که در تصور شما نمی گنجید." سی آی ای از طریق استخبارات پاکستان (آی اس آی) ارتباطات نزدیک با وی برقرار کرده بود و مقدار عظیم پول و اسلحه در اختیار وی میگذاشت.

به عکس تعداد زیادی از قومندانان، حقانی خودش در خط آتش میبود و بسا اوقات برای بهبودی از زخم ها به عربستان سعودی عزلت می گزید. عقیده بر آن است که سفر های حقانی به حوزه خلیج او را در برقراری روابط نزدیک با تندروان عرب کمک نمود و او یکی از اولین قومندانان افغانی بود که میزبان جنگجویان خارجی شد. ماموران نظامی امریکائی و افغانی اظهار میدارند که روابط وی با جنگجویان عرب و القاعده تا امروز ادامه دارد.

اگر چه که با حکومت طالبان در اواسط دهه ۱۹۹۰ متحد گردید، حقانی هیچگاهی رسماً بخشی از تحریک طالبان نبود. مولوی سعدالله که زمانی دوست نزدیک وی بود ادعا میکند که "طالبان میخواستند که يك امارت اسلامی خلق نمایند، لکن حقانی حامی جمهوریت اسلامی بود."

وحید مزده یکی از تحلیلگران سیاسی افغان که فامیل حقانی را می شناسد بخاطر میاورد که "در طی آن سالها (پسر حقانی) سراج به اینجانب در مورد تفسیر خشن و جزمی اسلام از جانب طالبان شکایت نمود." بازهم، طالبان به مفیدیت حقانی به حیث يك قومندان متوجه شده و در جنگ ها علیه ائتلاف شمال از وی طالب کمک شدند. در شبانگاه حمله امریکا در اکتوبر ۲۰۰۱، حقانی قومندان اعلا طالبان مقرر گردید.

اما طبق گفته کسانیکه او را در آن وقت می شناختند، حقانی برای چند ماه بعد از حمله قوای ائتلاف به رهبری امریکا در تذبذب بود که آیا با حکومت جدید افغانی ببینند یا علیه آن بجنگد. برحسب گفته آقای سعدالله، يك سلسله حملات هوایی امریکا اعضای فامیل حقانی را کشت و او به آنطرف سرحد ناپدید شد و دوستان خود را گفت که "امریکاییان نمیگذارند که او در آرامش زندگی کند." هر چند که مقامات امریکائی بالمقابل جواب دادند که حقانی القاعده را در فرار از افغانستان بسوی پاکستان معاونت نموده و شخص بیطرف نیست.

در خلال سالیان اولیه جنگ فعلی در افغانستان، حقانی در میان تعداد زیاد محض یکی قومندان بود. لکن روابط وی با آی اس آی و تندروان عرب او را قادر ساخت که پول بدست آورده و تاسیسات آموزشی برپا کند. او بزودی قادر شد که بدون کمک طالبان مستقلانه علیه امریکانیان بجنگد. مقارن به سال ۲۰۰۷، شبکه وی مثل يك گروه شورشی برجسته پدیدار شد.

به عقیده ماموران استخباراتی، پسر حقانی سراج الدین زمام تشکیل را در دست گرفته است. حقانی جوان نسبت به پدر پر انرژی تر بوده و شبکه را در چند سال اخیر طور وسیعی گسترش داده است. يك مامور استخباراتی امریکائی که نخواست هویتش افشا شود، اظهار میدارد که "او با روش پدرش راضی نیست. او با تجربه تر نسبت به پدرش است." در يك مصاحبه نادر با ان بی سی در جولای ۲۰۰۸، سراج الدین طرح سوء قصد به جان رئیس جمهور افغانستان را بخود نسبت داد. گزارش یافته است که پدرش مرده، یا مریض است و یا اینکه بيك نحوی ناتوان گشته است.

بر عکس اکثر طالبان، شبکه حقانی از نزديك با گروه های تندرو خارجی کار میکند. بطور مثال طبق گزارش، "اتحادیه جهاد اسلامی" که يك گروه تندرو از يك است، روابط با حقانی ها دارد. اتحادیه جهاد اسلامی تندروان را از جا های دور مانند ترکیه آورده تا حملات را در افغانستان رهبری کنند. ادعا شده است که این گروه در عقب توطئه هایی اند که بر اهداف مورد نظر در اروپا حمله نمایند. شبکه حقانی همچنان از نزديك بیشتر با طالبان پاکستاني نسبت به سایر شورشیان افغان کار می نمایند. حقانی با آوردن روش القاعده در عراق، در استفاده از حملات خودکشانه در افغانستان پیشقدم شد. حملات حقانی خارجیان را مورد استفاده قرار میدهد در صورتیکه طالبان افغانی بر مردم محلی اتکاء دارند. طبق گزارش مامورین استخباراتی امریکا، حملات خود کشانه نوآوری سراج الدین است.

بر علاوه حملات خودکشانه، حقانی ها برای حملات هماهنگ نیز معروف اند. مامورین استخباراتی امریکا و محرمین حقانی میگویند که این نتیجه همکاری نزديك با آی اس آی پاکستان است، چیزیکه مقامات پاکستاني آنها تکذیب میکنند. یک قومندان سابق حقانی که از اظهار نام خود خودداری نمود، گفت "هر حمله بزرگ به تفصیل با آی اس آی در کمپ های وزیرستان طرح میشود." مقامات رسمی متذکر میشوند که حقانی ها از پول منابع ارتباطی القاعده مستفید شده و همچنان ممکن است که از قاچاق چوب چهار تراش عملیات خود را تمویل کنند. قومندان سابق حقانی علاوه میکند "اکثر جنگجویان حقانی جوانانی اند که پدر های شان هم برای حقانی در جریان جهاد علیه روس ها جنگیدند. تعداد زیاد دیگر بعد ازینکه حکومت افغانستان و امریکانیان به وعده های خود ناکام شدند، به حقانی پیوستند."

ماموران حکومتی افغانستان اظهار میدارند که در ولایت پکتیا شبکه حقانی چنان وسیع است که قومندانان مادون در حوزه صلاحیت خود تقریباً مثل يك تهدید ظاهر شده اند. بطور مثال، قومندان سابقه دار سیف الرحمان منصور که زیر بیرق حقانی جنگیده بود، درین اواخر مستقلانه عمل میکند.

حکایت يك بمبگذار انتحاری

احمد از استخدام، تعلیم، وظیفه و خیانت حرف میزند. حالت يك بمب گذار انتحاری اسیر ارتباطات حقانی را به پاکستان بیان میکند. احمد که از ترس مجازات خواست که نام اصلیش استعمال نشود در يك شهر كوچك ایالت پنجاب متولد شد. او از يك فامیل بزرگ لکن فقیر آمد. سیستم عقب مانده تعلیمی پاکستان این معنی را دارد که مکاتب خوب از دسترس وی خارج بود و احمد بعوض در قریه خود به يك مکتب اسلامی یعنی مدرسه رو آورد.

بعد از آموزش مذهبی، کاری در يك نانوائی بدست آورد تا از همه فامیل خود حمایت کند. او بخاطر میاورد که "روزی يك دوستش از وی دعوت نمود که بسوی وزیرستان سفر کنند. من در آن وقت هیچ چیزی در مورد طالبان و امریکا نمیدانستم."

دوستش او را به يك اردوگاه طالبان پاکستانی برد که میزبانان از او پذیرائی نموده و برایش محل رهایش تهیه نمودند. در آغاز او میخواست آنجا را ترك گوید، اما میزبانان خواستند برای مدتی کوتاه اقامت نمود و در باره اسلام بیاموزد. آنها از طرف صبح و بعد از ظهر قرآن میخواندند و در شب ساعت ها فلم های بیرحمی و قساوت امریکا را در عراق و افغانستان به نمایش می گذاشتند. او اظهار میکند که "از دیدن ویدیو ها خشمگین شدم که به برادران و خواهران مسلمانم چه اتفاق می افتاد." "بعد از مشاهده ای این ویدیو ها برای تقریباً دو ماه، برای من تحمل ناپذیر گردید. من سر انجام تصمیم گرفتم که زندگی خود را برای کشور مسلمانم بدهم."

این اردوگاه متعلق به مولوی نظیر يك قومندان مقتدر طالبان پاکستانی بود. طبق گفته احمد، تعداد زیاد جنگجویان زیر نظر مولوی نظیر آموزش دیده و بعداً به افغانستان رفتند که یکجا با حقانی بجنگند. هر چند که سرنوشت احمد طوری نبود که يك جنگجو شود: او به میزبانان خود گفت که میخواهد يك "شهید" شود یعنی بمب گذار انتحاری. تقریباً هفت ماه گذشت، آنگاه یکروز نظیر آمد و به احمد گفت که شغلی برای او دارد.

مردان نظیر احمد را بسوی سرحد افغانستان بردند. در سمت دیگر، نمایندگان حقانی از وی پذیرائی کردند و او را در يك موتوری که پر از مواد منفجره و يك واسکت خودکشانه بود، گذاشتند. احمد بخاطر میاورد که "آنها به او گفتند که برای مدتی کوتاه بسوی يك جاده بخصوص دریوری نموده و بعداً عساکر خارجی را که تعداد مسلمانها را کشتند، پیدا خواهد کرد."

"من دریوری کردم و سرانجام به يك مرکز نظارت نزدیک شدم. انگشت من بر ماشه بود - اما سپس شنیدم که آنها بيك لسان افغانی صحبت میکنند." مرکز نظارت توسط عساکر افغانی اداره میشد، نه امریکاییان.

او گفت، "من فهمیدم که فریب خوردم. من نخواستم که خود را قربان نموده و دیگر مسلمان ها را بکشم، تنها اشغالگران خارجی را." "انگشت من بر ماشه بود، لاکن نتوانستم که دکمه را فشار بدهم."

احمد خود را تسلیم کرد و امروز در بازداشت مقامات افغانی است.